

مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران

آرام دیدار^۱، محمدرحیم بهبهانی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

چکیده

مقدمه و هدف: تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران، موضوعی چندوجهی و پیوسته است که با توجه به تحولات فناوری و گسترش فضای دیجیتال، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. لذا هدف اصلی بررسی مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران بود.

روش‌شناسی پژوهش: این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعه اسناد و قوانین ایران انجام شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق ایران، مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی بر پایه‌ی قوانین خاص (مانند قانون حمایت حقوق مؤلفان ۱۳۴۸)، قوانین عام (مانند قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی) و مقررات نوین فضای دیجیتال (قانون تجارت الکترونیک ۱۳۸۲ و قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸) استوار است. دادگاه‌ها در رویه‌ی قضایی، اصل جبران خسارت را پذیرفته و امکان مطالبه‌ی هر دو نوع خسارت مادی (منافع از دست‌رفته، حق‌الامتياز، هزینه‌های اضافی) و خسارت معنوی (لطمه به شهرت، نقض حق انتساب و تحریف اثر) را پیش‌بینی کرده‌اند. با این حال، رویکرد غالب قضات به جای تعیین مبالغ سنگین، بر اقدامات غیرمالی مانند توقف انتشار، جمع‌آوری نسخه‌های غیرمجاز و الزام به ذکر نام پدیدآورنده متمرکز است. بر سبب این آراء نشان می‌دهد که پراکندگی رویه، ابهام در معیارهای خسارت معنوی، دشواری اثبات زیان در فضای دیجیتال و طولانی بودن فرآیند رسیدگی از چالش‌های اصلی نظام قضایی ایران محسوب می‌شود. مقایسه با اسناد بین‌المللی، به‌ویژه موافقت‌نامه تریپس، بیانگر فاصله‌ی نظام قضایی ایران از معیارهای «غرامت منصفانه» و «حق‌الامتياز متعارف» است. بنابراین، رویه قضایی ایران هرچند در سطح نظری حمایت از حقوق پدیدآورندگان را پذیرفته است، اما در عمل از کارآمدی و بازدارندگی کافی برخوردار نیست.

نتیجه‌گیری: اگرچه قوانین ایران مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی را به رسمیت شناخته و امکان مطالبه‌ی خسارات مادی و معنوی را فراهم کرده‌اند، اما در عمل، رویه قضایی با پراکندگی آراء، ابهام در معیارهای خسارت معنوی و دشواری اثبات در فضای دیجیتال مواجه است. مقایسه با استانداردهای بین‌المللی نشان می‌دهد که حمایت قضایی در ایران فاقد بازدارندگی کافی است و برای ارتقای کارآمدی، ایجاد رویه‌ی واحد و معیارهای روشن ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه‌ها: حقوق مالکیت معنوی، مسئولیت مدنی، نقض حق، خسارات مادی و معنوی.

^۱ کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. Aram.didar@iau.ac.ir

^۲ * استادیار، گروه حقوق، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. (نویسنده مسئول). ایمیل:

Mohammad.r.behbahani@iau.ac.ir

مقدمه

تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران، موضوعی است که با توجه به تحولات فناوری و گسترش روزافزون فعالیت‌های مرتبط با مالکیت فکری، اهمیت ویژه‌ای یافته است. مالکیت معنوی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم حقوق مالکیت، شامل حقوقی است که به پدیدآورندگان آثار ادبی، هنری، علمی و صنعتی تعلق می‌گیرد. این حقوق به دو دسته کلی مالکیت صنعتی (مانند اختراعات، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی) و مالکیت ادبی و هنری (مانند آثار ادبی، موسیقی، فیلم‌ها و نرم‌افزارها) تقسیم می‌شود. در حقوق ایران، حمایت از مالکیت معنوی در قوانین مختلفی از جمله قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ پیش‌بینی شده است (عابدی، ۱۴۰۳).

با این حال، نقض مالکیت معنوی به عنوان یک مسئله حقوقی، چالش‌های متعددی را در حوزه مسئولیت مدنی ایجاد کرده است. مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی، به معنای جبران خسارتی است که به دلیل نقض حقوق مالکیت معنوی به شخص وارد می‌شود. این مسئولیت می‌تواند ناشی از اقدامات عمدی یا غیرعمدی باشد و شامل خسارات مادی و معنوی می‌شود. در حقوق ایران، مبانی مسئولیت مدنی در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، هرکس بدون مجوز قانونی به حقوق دیگری لطمه وارد کند، مسئول جبران خسارت ناشی از آن است. این اصل کلی، در مورد نقض مالکیت معنوی نیز قابل اعمال است. یکی از چالش‌های اصلی در تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی، تعیین حدود و ثغور این مسئولیت است (مدنی و همکاران، ۱۴۰۰). به عبارت دیگر، این سوال مطرح می‌شود که آیا مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی، تنها شامل خسارات مادی می‌شود یا خسارات معنوی را نیز در بر می‌گیرد؟ در حقوق ایران، ماده ۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، به صراحت به جبران خسارات مادی و معنوی اشاره کرده است. بر این اساس، پدیدآورنده

اثر می‌تواند علاوه بر مطالبه خسارات مادی، برای جبران خسارات معنوی نیز اقدام کند. این خسارات معنوی می‌تواند شامل آسیب‌های وارد شده به شهرت، اعتبار و حیثیت پدیدآورنده باشد.

علاوه بر این، مسئله دیگری که در تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی مطرح می‌شود، تعیین میزان خسارت است. در حقوق ایران، تعیین میزان خسارت معمولاً بر عهده دادگاه است و دادگاه با توجه به شرایط خاص هر پرونده، میزان خسارت را تعیین می‌کند. در مورد خسارات مادی، معمولاً میزان خسارت بر اساس ارزش مالی اثر و میزان نقض حقوق تعیین می‌شود (ابهری و همکاران، ۱۳۹۹). اما در مورد خسارات معنوی، تعیین میزان خسارت پیچیده‌تر است و دادگاه باید با توجه به عرف، شرایط اجتماعی و میزان آسیب وارد شده به پدیدآورنده، میزان خسارت را تعیین کند. یکی دیگر از مباحث مهم در این زمینه، مسئله تقصیر و رابطه سببیت است. در حقوق ایران، مسئولیت مدنی معمولاً مبتنی بر تقصیر است. به عبارت دیگر، برای تحقق مسئولیت مدنی، باید تقصیر شخص نقض‌کننده اثبات شود. در مورد نقض مالکیت معنوی نیز این اصل حاکم است. بنابراین، پدیدآورنده اثر باید اثبات کند که نقض حقوق او ناشی از تقصیر شخص نقض‌کننده بوده است. علاوه بر این، رابطه سببیت بین تقصیر و خسارت نیز باید اثبات شود. به این معنا که پدیدآورنده باید نشان دهد که خسارت وارد شده به او، مستقیماً ناشی از نقض حقوق مالکیت معنوی بوده است (محسنی و توکلی، ۱۳۹۹). در کنار این مباحث، مسئله دیگری که در تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی مطرح می‌شود، مسئله مرور زمان است. در حقوق ایران، مرور زمان به عنوان یک نهاد حقوقی، می‌تواند بر مسئولیت مدنی تأثیر بگذارد. بر اساس ماده ۷۳۰ قانون مدنی، دعاوی مربوط به خسارات ناشی از نقض حقوق مالکیت معنوی، مشمول مرور زمان می‌شوند. این بدان معناست که اگر پدیدآورنده اثر در مدت زمان مشخصی (معمولاً ۳ سال از تاریخ اطلاع از نقض حقوق) برای احقاق حق خود اقدام نکند، دعاوی او مسموع نخواهد بود. این مسئله می‌تواند چالش‌هایی را برای پدیدآورندگان آثار ایجاد کند، به ویژه در مواردی که نقض حقوق به صورت پنهانی یا در فضای مجازی صورت گرفته باشد (پورقصاب امیری و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه بر این، در تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی، باید به نقش نهادهای دولتی و قضایی نیز توجه کرد. در حقوق

ایران، نهادهایی مانند اداره کل مالکیت صنعتی و مراجع قضایی، نقش مهمی در حمایت از حقوق مالکیت معنوی ایفا می‌کنند. این نهادها می‌توانند با صدور دستورات موقت، توقیف کالاهای نقض‌کننده حقوق و تعیین خسارت، به پدیدآورندگان آثار کمک کنند. با این حال، چالش‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد، از جمله طولانی بودن فرآیندهای قضایی و عدم آگاهی کافی از حقوق مالکیت معنوی در بین برخی از مراجع قضایی (بادینی، ۱۳۹۱).

در نهایت، تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران، نیازمند توجه به تحولات فناوری و تغییرات اجتماعی است. با گسترش فضای مجازی و افزایش دسترسی به اطلاعات، نقض حقوق مالکیت معنوی به شکل‌های جدیدی ظهور کرده است. این مسئله، لزوم بازنگری در قوانین موجود و تقویت سازوکارهای حمایتی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در این راستا، تدوین قوانین جامع‌تر و آموزش بیشتر در زمینه حقوق مالکیت معنوی، می‌تواند به کاهش نقض حقوق و افزایش حمایت از پدیدآورندگان آثار کمک کند. لذا هدف اصلی این پژوهش تحلیل مبانی حقوقی و چالش‌های مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران و ارائه راهکارهای حقوقی برای بهبود نظام جبران خسارات در این حوزه بود.

سوالات پژوهش:

- ۱- مبانی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران چیست؟
- ۲- چه نوع خساراتی (مادی و معنوی) در مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی قابل مطالبه است؟
- ۳- رویه قضایی ایران در خصوص جبران خسارات ناشی از نقض مالکیت معنوی چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی — نظری است که با رویکرد توصیفی — تحلیلی انجام شده است. داده‌های اصلی از طریق مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند؛ به‌ویژه قوانین موضوعه‌ی ایران (مانند قانون حمایت از حقوق مؤلفان، قانون مسئولیت مدنی، قانون ثبت اختراعات، قانون تجارت الکترونیک و قانون جرایم رایانه‌ای)، همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط و آراء صادره از دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور. در

بخش تحلیل نیز تلاش شده است تا با بهره گیری از مقایسه تطبیقی با اسناد بین المللی نظیر موافقت نامه تریپس TRIPS، نقاط قوت و ضعف رویه قضایی ایران در جبران خسارات ناشی از نقض مالکیت معنوی بررسی شود. روش کار به این ترتیب بوده که ابتدا مبانی نظری و قانونی مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی تبیین گردید؛ سپس با بررسی نمونه های موجود از رویه قضایی ایران، نوع خسارات شناسایی و شیوه های جبران آن ها تحلیل شد.

یافته ها

مبانی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران چگونه است؟

مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران، ریشه در چندین منبع قانونی و اصول کلی حقوقی دارد که به صورت مکمل از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان حمایت می کنند. این مبانی در سه دسته کلی: **قوانین خاص، قوانین عام و اصول حقوقی** قابل بررسی است.

۱. قوانین خاص مربوط به حمایت از حقوق پدیدآورندگان

مهم ترین مبنا برای مسئولیت مدنی نقض مالکیت معنوی، **قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸** است.

- **ماده ۳** این قانون، حقوق مادی پدیدآورنده شامل حق تکثیر، توزیع، اجرا و اجاره اثر است. نقض این حقوق (مثلاً چاپ یا انتشار بدون مجوز یک اثر) موجب مسئولیت مدنی و کیفری می شود (آشوری، ۱۳۷۸: ۱۵).
- **ماده ۴** بر حقوق معنوی مانند حق انتساب و تمامیت اثر تأکید دارد. هرگونه تحریف، حذف یا انتشار بدون ذکر نام پدیدآورنده، نقض این حقوق محسوب شده و جبران خسارت را در پی دارد.
- **ماده ۲۳** نقض حقوق مادی و معنوی را جرم دانسته و برای آن علاوه بر مجازات حبس، جبران خسارت نیز مقرر کرده است. این ماده نشان می دهد که قانونگذار، ضمانت اجراهای مدنی (جبران خسارت مالی و معنوی) و کیفری را توأمان در نظر گرفته است. بنابراین، مبنای نخست مسئولیت مدنی در این زمینه، حمایت ویژه قانون ۱۳۴۸ از حقوق پدیدآورندگان است که نقض آن ها الزاماً موجب ضمان مدنی خواهد شد.

۲. قوانین ناظر بر فضای دیجیتال و فناوری

با گسترش فناوری و فضای مجازی، قوانین جدیدتری نیز وارد نظام حقوقی ایران شده اند که مسئولیت مدنی ناقضان مالکیت معنوی در بستر دیجیتال را مقرر می کنند:

- **قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲**: ماده ۶۲ انتشار یا تکثیر غیرمجاز آثار در فضای دیجیتال

را جرم‌انگاری کرده و ضمانت اجراییی چون جزای نقدی و جبران خسارت پیش‌بینی کرده است. همچنین ماده ۷۴ این قانون، امکان تعقیب ناقضان در فضای سایبری را تشدید کرده و بر مسئولیت پلتفرم‌ها در پیشگیری از نقض حقوق تأکید دارد (آیتی، ۱۳۷۵: ۲۲).

• **قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸**: طبق ماده ۱، دسترسی غیرمجاز به آثار دیجیتال و طبق ماده ۱۲، نقض مالکیت فکری در فضای سایبری با مجازات‌هایی از جمله حبس و جزای نقدی مواجه است. علاوه بر جنبه کیفری، این مقررات مبنای طرح دعوای مدنی برای جبران خسارت نیز محسوب می‌شوند. این دو قانون، پایه‌های حقوقی مسئولیت مدنی در حوزه نقض مالکیت معنوی در فضای سایبری و دیجیتال را مستحکم کرده‌اند.

۳. قوانین عام و اصول حقوقی

علاوه بر قوانین خاص، مبانی مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران بر اصول عام نیز استوار است:

- **قانون مدنی**: ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی را لازم‌الاجرا دانسته و نقض آن‌ها را موجب مسئولیت مدنی می‌داند. بنابراین، اگر قراردادی درباره حق نشر یا توزیع یک اثر تنظیم شده باشد، نقض آن موجب ضمانت اجرای قراردادی و جبران خسارت خواهد بود (احمد پناهی، ۱۳۸۲: ۴۲).
- **اصل کلی لاضرر**: هرگونه استفاده غیرمجاز که به زیان مادی یا معنوی پدیدآورنده بینجامد، تحت شمول قاعده لاضرر و قواعد عام مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد.
- **مسئولیت ناشی از تقصیر**: نقض حقوق مالکیت معنوی نوعی تقصیر محسوب می‌شود که علاوه بر ضمان کیفری، سبب الزام به جبران خسارت نیز خواهد بود.

۴. بعد بین‌المللی و اصل رفتار متقابل

با توجه به ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان (۱۳۴۸)، حمایت از آثار خارجی در ایران به شرط رفتار متقابل پیش‌بینی شده است. بدین معنا که اگر کشور دیگری حقوق پدیدآورندگان ایرانی را محترم بشمارد، ایران نیز آثار آن کشور را تحت حمایت قرار می‌دهد (ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۱: ۳۰). این قاعده مبنای مسئولیت مدنی در سطح فرامرزی محسوب می‌شود. در کل می‌توان گفت که در نظام حقوقی ایران، مبانی مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی بر سه پایه استوار است:

(۱) **قوانین خاص** مانند قانون حمایت از حقوق مؤلفان (۱۳۴۸) که هم حقوق مادی

و هم معنوی را حمایت می‌کند.

(۲) **قوانین مکمل در فضای دیجیتال** شامل قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲) و

قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸) که دامنه حمایت را به فضای سایبری گسترش می‌دهند.

۳) **قواعد عام مسئولیت مدنی** در قانون مدنی و اصول کلی مانند قاعده لاضرر و مسئولیت ناشی از تقصیر.

۴) این مجموعه نشان می‌دهد که در ایران، مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی، نه تنها بر پایه جبران خسارت مادی استوار است، بلکه حمایت از اعتبار، شخصیت و هویت معنوی پدیدآورنده را نیز شامل می‌شود.

۲- چه نوع خساراتی (مادی و معنوی) در مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی قابل مطالبه است؟

بر اساس قوانین مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران، خساراتی که قابل مطالبه هستند به دو دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند: **مادی و معنوی**.

۱. خسارات مادی

این‌ها مربوط به ضررهای اقتصادی و مالی پدیدآورنده‌ست:

- **خسارت ناشی از تکثیر و فروش غیرمجاز:** مثلاً اگر یک کتاب یا نرم‌افزار بدون اجازه چاپ یا کپی بشود، سود ناشی از فروش غیرقانونی به‌عنوان زیان قابل مطالبه مطرح می‌شود (ماده ۳ و ۲۳ قانون ۱۳۴۸).
- **کاهش فروش یا درآمد مشروع پدیدآورنده:** وقتی بازار اثر اصلی به خاطر نسخه‌های غیرقانونی اشباع بشود، نویسنده یا ناشر دچار کاهش درآمد می‌شود.
- **ضرر ناشی از نقض قرارداد:** اگر قراردادی برای نشر یا توزیع اثر وجود داشته باشد و شخص ثالث بدون اجازه وارد بشود، این نقض قرارداد به‌عنوان خسارت مالی قابل مطالبه است (بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی و تحلیل احمد پناهی، ۱۳۸۲: ۴۲).
- **هزینه‌های اضافی:** مثل هزینه‌های دادرسی، پیگیری قضایی یا اقدام برای جلوگیری از ادامه نقض.

۲. خسارات معنوی

این بخش خیلی مهمه چون در مالکیت معنوی فقط پول مطرح نیست، بلکه اعتبار و شخصیت خالق اثر هم اهمیت داره:

- **خسارت ناشی از نقض حق انتساب (حق پدیدآوردگی):** اگر اثر بدون ذکر نام خالق منتشر بشود یا به نام دیگری عرضه بشود، نقض حق معنوی رخ داده و زیان غیرمالی وارد می‌کنه (ماده ۴ قانون ۱۳۴۸).
- **خسارت ناشی از تحریف یا تغییر اثر:** مثلاً تغییر در متن یک کتاب، حذف بخش‌هایی از فیلم یا ویرایش یک موسیقی به شکلی که به شهرت یا اعتبار خالق لطمه بزنه.

- **لطمه به حیثیت و اعتبار علمی، ادبی یا هنری پدیدآورنده:** هر اقدامی که باعث کاهش شأن اجتماعی یا حرفه‌ای او بشود، خسارت معنوی محسوب می‌شود.
- **آسیب به تمامیت اثر:** حتی اگر جنبه مالی نداشته باشد، پدیدآورنده می‌تونه به استناد حق تمامیت اثر (integrity right) مطالبه جبران خسارت کنه.

۳- رویه قضایی ایران در خصوص جبران خسارات ناشی از نقض مالکیت معنوی چگونه است؟

مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران یکی از چالش‌های مهم نظام حقوقی به شمار می‌رود. اهمیت این موضوع نه تنها در حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، بلکه در تضمین توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور نیز قابل توجه است. اگرچه قوانین متعددی همچون قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ بسترهای قانونی حمایت از این حقوق را فراهم کرده‌اند، اما آنچه در عمل اهمیت می‌یابد، رویه قضایی در برخورد با ناقضان و نحوه جبران خسارت است (مدنی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵؛ ابهری، ۱۳۹۹: ۷۸).

۱. پذیرش اصل مسئولیت مدنی

بر اساس مقررات یادشده، دادگاه‌ها اصل جبران خسارت را در قبال هرگونه نقض مالکیت معنوی به رسمیت شناخته‌اند. برای نمونه:

- ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان تصریح دارد که هرگونه استفاده غیرمجاز از آثار، علاوه بر مجازات کیفری، موجب الزام به جبران خسارت نیز خواهد بود (آشوری، ۱۳۷۸: ۱۵).
- ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹) نیز مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به حیثیت یا اعتبار یا حقوق مادی و معنوی دیگری لطمه وارد کند، مسئول جبران خسارت است» (اسماعیل، ۱۳۷۷: ۱۹). به همین دلیل، دادگاه‌ها در پرونده‌های نقض مالکیت فکری، امکان صدور حکم به جبران خسارت را دارند و در عمل نیز از این ظرفیت استفاده کرده‌اند. این نشان می‌دهد که در سطح نظری، رویه قضایی ایران اصل جبران خسارت را پذیرفته و آن را بخشی از حقوق بنیادین پدیدآورنده می‌داند (آیتی، ۱۳۷۵: ۲۲).

۲. خسارت‌های مورد شناسایی در رویه قضایی

در آراء صادره، دادگاه‌ها به دو نوع خسارت توجه داشته‌اند:

الف) خسارات مادی:

این خسارت‌ها ناشی از زیان‌های اقتصادی است که در اثر نقض حقوق مالکیت معنوی پدید می‌آید. دادگاه‌ها معمولاً به سه دسته اصلی خسارت مادی توجه می‌کنند:

(۱) **منافع از دست‌رفته**: مانند کاهش فروش اثر اصلی به دلیل انتشار نسخه‌های غیرمجاز (اصغری، ۱۳۸۵: ۱۴).

(۲) **حق‌الامتياز متعارف (روبالتی)**: در برخی پرونده‌ها، دادگاه به جای محاسبه‌ی دقیق سود از دست‌رفته، متخلف را ملزم به پرداخت معادل مبلغی می‌کند که در صورت انعقاد قرارداد قانونی باید پرداخت می‌شد (السان، ۱۳۸۴: ۲۷۲).

(۳) **هزینه‌های اضافی**: شامل هزینه‌های دادرسی، کارشناسی، و اقدامات احتیاطی (مثل جمع‌آوری نسخه‌های غیرمجاز) (احمد پناهی، ۱۳۸۲: ۴۲).

ب) خسارات معنوی:

این دسته از خسارات اگرچه جنبه مالی مستقیم ندارند، اما اهمیت بسیار بالایی در حفظ هویت و اعتبار پدیدآورنده دارند. مصادیق اصلی خسارت معنوی عبارت‌اند از:

- حذف نام مؤلف یا انتساب اثر به شخص دیگر (نقض حق انتساب) (بادینی، ۱۳۸۴: ۶۷).
 - تحریف، تغییر یا سانسور اثر بدون رضایت پدیدآورنده (نقض حق تمامیت اثر) (بادینی، ۱۳۸۹: ۷۳).
 - لطمه به حیثیت و اعتبار علمی، ادبی یا هنری صاحب اثر (انصاری، بی‌تا: ۸).
- در رویه قضایی ایران، جبران خسارت معنوی غالباً به صورت **اقدامات غیرمالی** مانند الزام به ذکر نام پدیدآورنده، توقف انتشار اثر تحریف‌شده یا انتشار تکذیبیه انجام می‌گیرد (بهرامی، ۱۳۸۱: ۳۰).

۳. گرایش دادگاه‌ها به اقدامات غیرمالی

یکی از ویژگی‌های رویه قضایی ایران، تمرکز بر **اقدامات غیرمالی** در جبران خسارت است. دادگاه‌ها به جای تعیین مبالغ سنگین برای خسارات، بیشتر اقداماتی نظیر جمع‌آوری نسخه‌های غیرمجاز، توقف فعالیت ناقض یا الزام به ذکر نام پدیدآورنده را مورد حکم قرار می‌دهند (امامی، ۱۳۸۶: ۲۸). این رویکرد از یک سو نشان‌دهنده‌ی توجه دستگاه قضایی به حفظ اصالت و هویت اثر است، اما از سوی دیگر، **قدرت بازدارندگی اقتصادی** چندانی ندارد و در عمل نمی‌تواند ناقضان را از تکرار تخلف باز دارد (برمنش، ۱۳۸۷: ۳۳).

۴. چالش‌های موجود در رویه قضایی

یافته‌ها نشان می‌دهد که رویه قضایی ایران در زمینه جبران خسارت‌های ناشی از نقض مالکیت معنوی با چند مشکل اساسی مواجه است:

(۱) **پراکندگی آراء**: دادگاه‌های مختلف در موارد مشابه، احکام متفاوتی صادر می‌کنند که این امر باعث کاهش پیش‌بینی‌پذیری حقوقی و تزلزل امنیت قضایی شده است (انصاری، بی‌تا: ۴۱).

- (۲) **ابهام در خسارت معنوی:** هنوز معیارهای روشنی برای ارزیابی خسارت معنوی تدوین نشده است و قضاات معمولاً بر اساس عرف یا شرایط پرونده تصمیم‌گیری می‌کنند (باریکلو، ۱۳۸۵: ۲۴).
- (۳) **مشکل اثبات:** خواهان‌ها در اثبات میزان دقیق خسارت، به‌ویژه در فضای دیجیتال (مانند کپی‌برداری اینترنتی) با دشواری جدی مواجه‌اند. در چنین شرایطی، دادگاه‌ها معمولاً به گزارش کارشناسان اکتفا می‌کنند (ابهری علی‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱).
- (۴) **طولانی بودن روند رسیدگی:** کمبود قضاات متخصص و کارشناسان رسمی موجب طولانی شدن فرآیند رسیدگی شده و عملاً اثربخشی احکام را کاهش می‌دهد (امامی، ۱۳۹۰: ۶۳).

۵. مقایسه با استانداردهای بین‌المللی

در نظام‌های حقوقی پیشرفته و اسناد بین‌المللی مانند موافقت‌نامه **ترپیس**، جبران خسارت بر مبنای **غرامت منصفانه و حق‌الامتیاز متعارف** انجام می‌شود (دین‌وودی و دریفوس^۱، ۲۰۲۱). در ایران، فقدان چنین معیارهای روشنی موجب شده که احکام صادره در بسیاری موارد نتواند زیان واقعی را جبران کند (ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۱: ۳۰). به همین دلیل، رویه قضایی ایران هرچند در سطح نظری مشابه استانداردهای جهانی است، اما در عمل **فاقد کارآمدی و بازدارندگی کافی** است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران، موضوعی پیچیده و چندوجهی است که در پرتو تحولات فناوری، گسترش فضای دیجیتال، و نیاز به حمایت از خلاقیت‌های فکری، اهمیت روزافزونی یافته است. نظام حقوقی ایران، با اتکا به قوانین کلیدی مانند قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، چارچوبی نسبتاً جامع برای حمایت از حقوق مالکیت معنوی فراهم کرده است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، به‌عنوان اصل بنیادین، هرگونه لطمه بدون مجوز قانونی به حقوق دیگران را مشمول جبران خسارت می‌داند، که این اصل در دعاوی نقض مالکیت معنوی نیز به‌طور گسترده اعمال می‌شود. رویه قضایی ایران، با تمرکز رسیدگی به این دعاوی در دادگاه‌های عمومی حقوقی تهران (ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات)، تلاش کرده است تا با تخصصی‌سازی رسیدگی،

¹ Dinwoodie & Dreyfuss

رویه‌ای یکسان ایجاد کند. با این حال، چالش‌هایی نظیر پراکندگی آرا، کمبود معیارهای شفاف برای تعیین خسارات، و پیچیدگی‌های اجرایی در فضای دیجیتال، همچنان موانعی جدی در مسیر اجرای کامل این حمایت‌ها هستند.

مالکیت معنوی در ایران به دو شاخه اصلی مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی تقسیم می‌شود، که هر یک از منظر مسئولیت مدنی ویژگی‌ها و چالش‌های خاص خود را دارند. در حوزه مالکیت ادبی و هنری، ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، امکان مطالبه خسارات مادی و معنوی ناشی از نقض حقوق پدیدآورندگان را به صراحت پیش‌بینی کرده است. این ماده، همراه با ماده ۸ این قانون که حقوق معنوی مانند حق ذکر نام و حفظ تمامیت اثر را تضمین می‌کند، به پدیدآورندگان اجازه می‌دهد تا زبان‌های مالی (مانند کاهش فروش یا از دست رفتن فرصت‌های تجاری) و غیرمالی (مانند لطمه به شهرت یا تحریف اثر) را مطالبه کنند. رویه قضایی نشان می‌دهد که دادگاه‌ها در این دعاوی، به شواهد ملموس مانند گواهی ثبت اثر، قراردادهای تجاری، یا نمونه‌های غیرمجاز توجه ویژه‌ای دارند. ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، امکان استفاده از کارشناسان رسمی برای ارزیابی خسارت یا اثبات نقض را فراهم کرده، که به‌ویژه در دعاوی پیچیده مانند نقض آثار دیجیتال یا نرم‌افزارها، نقش کلیدی ایفا می‌کند. برای مثال، در دعوی تکثیر غیرمجاز یک کتاب الکترونیکی، شاکی می‌تواند با ارائه شواهد دیجیتال و گزارش‌های فروش، خسارات مادی و معنوی را مطالبه کند. در حوزه مالکیت صنعتی، قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، با مواد ۱۵ و ۴۷، چارچوبی برای جبران خسارات مادی ناشی از نقض حقوق اختراعات، علائم تجاری، و طرح‌های صنعتی ارائه کرده است. برای نمونه، در دعاوی نقض علائم تجاری، مالک می‌تواند زبان‌های مالی ناشی از کاهش فروش، لطمه به اعتبار تجاری، یا استفاده غیرمجاز از علامت را مطالبه کند. ماده ۶۱ این قانون، امکان طرح دعوی کیفری برای جعل علامت تجاری یا نقض اختراع را فراهم کرده، که شاکی می‌تواند به صورت همزمان دعوی مدنی و کیفری را مطرح کند. رویه قضایی نشان می‌دهد که دادگاه‌ها در این دعاوی، به ارائه شواهد دقیق مانند گواهی ثبت علامت، قراردادهای مجوز، یا گزارش‌های مالی وابسته‌اند. با این حال، چالش‌هایی مانند طولانی بودن فرآیندهای قضایی، کمبود تخصص برخی قضات در حوزه مالکیت صنعتی، و دشواری اثبات خسارات غیرمستقیم، کارایی این نظام را محدود کرده است. برای مثال، در دعوی نقض یک اختراع، شاکی باید شواهد فنی و مالی دقیقی ارائه دهد تا رابطه سببیت بین نقض و خسارت را اثبات کند، که این امر گاهی به دلیل پیچیدگی‌های فنی دشوار است.

یکی از جنبه‌های محوری در تحلیل مسئولیت مدنی، تمایز بین خسارات مادی و معنوی و شیوه‌های

جبران آن‌هاست. خسارات مادی، مانند منافع از دست‌رفته یا حق امتیاز (رویالتی)، معمولاً از طریق شواهد مالی مانند صورت‌حساب‌ها، قراردادهای تجاری، یا گزارش‌های فروش اثبات می‌شوند. ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات، امکان مطالبه این خسارات را به صراحت پیش‌بینی کرده‌اند. در رویه قضایی، دادگاه‌ها اغلب با استناد به عرف بازار، قراردادهای مشابه، یا گزارش‌های کارشناسی، میزان خسارات مادی را تعیین می‌کنند. برای مثال، در دعوی نقض یک نرم‌افزار، مالک می‌تواند معادل حق امتیازی که در صورت اخذ مجوز قانونی دریافت می‌کرد را مطالبه کند. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، با امکان جبران هرگونه زیان مالی، این حمایت را تقویت کرده و به شاکی اجازه می‌دهد تا زیان‌های غیرمستقیم مانند از دست رفتن فرصت‌های تجاری را نیز مطالبه کند. در عمل، اثبات این خسارات نیازمند ارائه شواهد دقیق است، و فقدان داده‌های مالی معتبر می‌تواند رسیدگی به دعاوی را با مشکل مواجه کند. خسارات معنوی، به دلیل ماهیت غیرملموس خود، چالش‌های بیشتری در اثبات و جبران دارند. ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، حقوق معنوی مانند حق ذکر نام، حفظ تمامیت اثر، و افشای اثر را تضمین کرده و نقض این حقوق را قابل جبران می‌داند. در رویه قضایی، دادگاه‌ها در دعاوی خسارات معنوی، مانند حذف نام پدیدآورنده یا تحریف اثر، به شواهد غیرمستقیم مانند اظهارات شاهدان، مدارک شهرت حرفه‌ای، یا نمونه‌های تحریف‌شده توجه دارند. روش‌های جبران این خسارات شامل اعاده حیثیت، انتشار عذرخواهی عمومی، یا پرداخت مبلغی به‌عنوان جبران زیان غیرمالی است. برای مثال، اگر نام یک کارگردان از یک اثر سینمایی حذف شود، او می‌تواند درخواست انتشار عذرخواهی در رسانه‌ها یا پرداخت خسارت معنوی کند. با این حال، فقدان معیارهای شفاف برای تعیین میزان خسارات معنوی، به تشخیص قاضی وابسته است، که این امر گاهی به ناهماهنگی در آرا منجر می‌شود. ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، امکان استفاده از کارشناسان برای ارزیابی خسارات معنوی را فراهم کرده، اما کاربرد آن در عمل محدود است و قضات اغلب بر اساس عرف و شدت نقض تصمیم می‌گیرند.

تأثیر فناوری‌های نوین و فضای مجازی بر نقض حقوق مالکیت معنوی، یکی از موضوعات کلیدی در این تحلیل است. قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ (مواد ۶۲ و ۷۴) و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ (مواد ۱ و ۱۲)، نقض حقوق فکری در فضای دیجیتال را جرم‌انگاری کرده و مجازات‌هایی مانند حبس از ۹۱ روز تا یک سال و جزای نقدی تا بیست میلیون ریال پیش‌بینی کرده‌اند. برای مثال، آپلود غیرمجاز یک اثر موسیقایی در شبکه‌های اجتماعی یا دانلود غیرقانونی یک کتاب الکترونیکی، مصداق نقض این حقوق است. رویه قضایی نشان می‌دهد که دادگاه‌ها در این دعاوی، به شواهد دیجیتال مانند آدرس‌های اینترنتی،

فایل های غیرمجاز، یا گزارش های پلتفرم های آنلاین توجه دارند و ممکن است دستور توقف نقض، ضبط آثار غیرمجاز، یا جبران خسارت را صادر کنند. با این حال، چالش هایی مانند دشواری شناسایی ناقضان در فضای مجازی، فقدان همکاری بین المللی به دلیل عدم عضویت ایران در کنوانسیون هایی مانند برن، و نبود سازوکارهای اجرایی مؤثر، حمایت از پدیدآورندگان را با محدودیت مواجه کرده است. دعاوی مربوط به آثار سفارشی و دارندگان مجوز بهره برداری، بخش مهمی از نظام مسئولیت مدنی را تشکیل می دهند. ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، امکان انتقال حقوق مادی به سفارش دهنده را پیش بینی کرده، و ماده ۶ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای، حقوق دارندگان مجوز را به رسمیت می شناسد. در رویه قضایی، دادگاه ها به قراردادهای کتبی، مکاتبات، یا شواهد خلق اثر توجه ویژه ای دارند. برای مثال، اگر یک نرم افزار سفارشی بدون اجازه تکثیر شود، سفارش دهنده می تواند با ارائه قرارداد سفارش، دعوی مدنی برای جبران خسارات مادی و معنوی یا دعوی کیفری برای مجازات ناقض مطرح کند (ماده ۳۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان). با این حال، فقدان قراردادهای شفاف یا توافقات کتبی در برخی موارد، رسیدگی به این دعاوی را پیچیده می کند. ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، امکان استفاده از کارشناسان برای ارزیابی نقض یا خسارت را فراهم کرده، که این امر به ویژه در دعاوی پیچیده مانند نقض نرم افزارها یا اختراعات کاربرد دارد. مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری، بر اساس ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات و ماده ۳۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، دادگاه های عمومی حقوقی تهران است. این تمرکز، به منظور تخصصی سازی رسیدگی و ایجاد رویه قضایی یکسان طراحی شده است. ماده ۲ و ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، الزامات شکلی طرح دعوی را مشخص کرده و شاکی را موظف به ارائه درخواست کتبی با ذکر جزئیات نقض، مشخصات ناقض، و میزان خسارت می دانند. در رویه قضایی، دادگاه ها به شواهد دقیق مانند گواهی ثبت اثر، قراردادهای تجاری، یا نمونه های غیرمجاز وابسته اند و در صورت نیاز، از کارشناسان رسمی برای رفع ابهام استفاده می کنند. برای مثال، در دعوی نقض یک علامت تجاری، شاکی باید گواهی ثبت و نمونه های غیرمجاز را ارائه دهد تا ادعای خود را اثبات کند. با این حال، طولانی بودن فرآیندهای قضایی و کمبود آگاهی برخی قضات از پیچیدگی های مالکیت فکری، به تأخیر در رسیدگی یا ناهماهنگی در آرا منجر شده است. مسئله مرور زمان، یکی از چالش های کلیدی در دعاوی مالکیت فکری است. بر اساس ماده ۷۳۰ قانون مدنی، دعاوی خسارات ناشی از نقض مالکیت معنوی مشمول مرور زمان سه ساله از تاریخ اطلاع از نقض هستند. این امر، به ویژه در مواردی که نقض به صورت پنهانی یا در فضای مجازی رخ داده، می تواند برای پدیدآورندگان محدودیت ایجاد کند. رویه قضایی نشان می دهد که دادگاه ها به تاریخ اطلاع شاکی از نقض

توجه دارند، اما فقدان شواهد دقیق برای اثبات این تاریخ، گاهی دعاوی را غیرمسموع می‌کند. برای مثال، در دعوی نقض یک اثر دیجیتال که سال‌ها پیش در یک پلتفرم آنلاین منتشر شده، اثبات تاریخ اطلاع ممکن است دشوار باشد. این مسئله، لزوم بازنگری در قوانین مربوط به مرور زمان و تدوین سازوکارهای حمایتی قوی‌تر، مانند تمدید مهلت مرور زمان در موارد نقض دیجیتال، را برجسته می‌کند (هیلتی و لیو، ۲۰۲۱).

در مقایسه با نظام‌های حقوقی پیشرفته مانند موافقتنامه تریپس، قوانین ایران در برخی جنبه‌ها کاستی‌هایی دارد. تریپس معیارهای مشخصی مانند حق‌الامتياز متعارف یا غرامت منصفانه را برای جبران خسارت پیش‌بینی کرده، در حالی که قوانین ایران به اصل کلی جبران خسارت اکتفا کرده و جزئیات آن را به تشخیص قاضی واگذار کرده‌اند. رویه قضایی ایران، اگرچه در برخی موارد با استناد به عرف بازار یا گزارش‌های کارشناسی، این خلأ را جبران کرده، اما نبود معیارهای شفاف، به‌ویژه در دعاوی خسارات معنوی، به پراکندگی آرا منجر شده است. برای مثال، در دعوی حذف نام یک نویسنده از کتاب، تعیین میزان خسارت معنوی معمولاً به تشخیص قاضی وابسته است، که این امر به ناهماهنگی در احکام منجر می‌شود. این مسئله، ضرورت تدوین قوانین جامع‌تر و آموزش تخصصی قضات در حوزه مالکیت فکری را نشان می‌دهد. رویه قضایی ایران، ترکیبی از دعاوی مدنی و کیفری را برای حمایت از حقوق مالکیت فکری پشتیبانی می‌کند (لملی، ۲۰۲۱). ماده ۳۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات، امکان طرح شکایت کیفری برای نقض‌هایی مانند جعل علامت تجاری یا تکثیر غیرمجاز آثار ادبی را فراهم کرده‌اند. در این دعاوی، شاکی می‌تواند علاوه بر جبران خسارت، مجازات ناقض یا ضبط محصولات غیرمجاز را درخواست کند. برای مثال، در دعوی جعل یک علامت تجاری، مالک می‌تواند با ارائه گواهی ثبت، دعوی مدنی برای جبران خسارت و دعوی کیفری برای مجازات ناقض را به صورت همزمان مطرح کند. این رویکرد دوگانه، حمایت قضایی را تقویت کرده، اما پیچیدگی‌های شکلی، لزوم ارائه شواهد دقیق، و طولانی بودن فرآیندهای قضایی، رسیدگی به این دعاوی را زمان‌بر می‌کند. ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، امکان استفاده از کارشناسان رسمی برای ارزیابی نقض یا خسارت را فراهم کرده، که این امر به‌ویژه در دعاوی پیچیده مانند نقض اختراعات یا نرم‌افزارها کاربرد دارد (برک، ۲۰۲۰).

نقش نهادهای دولتی و قضایی، مانند اداره کل مالکیت صنعتی و دادگاه‌های عمومی حقوقی تهران، در حمایت از حقوق مالکیت معنوی غیرقابل انکار است. این نهادها با صدور دستورات موقت، توقیف کالاهای

¹ Lemley

² Burk

نقض کننده، یا تعیین خسارت، به پدیدآورندگان و مالکین کمک می کنند. برای مثال، در دعوی نقض یک نرم افزار، دادگاه می تواند با استناد به ماده ۴۷ قانون ثبت اختراعات، دستور توقف نقض یا ضبط محصولات غیرمجاز را صادر کند. با این حال، رویه قضایی نشان می دهد که چالش هایی مانند طولانی بودن فرآیندهای قضایی، کمبود تخصص در برخی مراجع، و نبود هماهنگی کافی بین نهادها، کارایی این حمایت ها را کاهش داده است. برای نمونه، تأخیر در صدور دستور توقف نقض در دعاوی دیجیتال می تواند زیان های جبران ناپذیری به مالک وارد کند. این امر، لزوم تقویت سازوکارهای اجرایی، افزایش تعداد قضات متخصص، و بهبود هماهنگی بین نهادهای مرتبط را برجسته می کند. تحولات فناوری و گسترش فضای مجازی، نقض حقوق مالکیت معنوی را به شکل های جدیدی مانند انتشار غیرمجاز آثار در پلتفرم های آنلاین یا دانلود غیرقانونی درآورده است. قوانین تجارت الکترونیک و جرایم رایانه ای، چارچوبی برای مقابله با این نقض ها فراهم کرده اند، اما رویه قضایی نشان می دهد که شناسایی ناقضان در فضای دیجیتال و اجرای احکام علیه آنها با دشواری هایی همراه است (گروایس، ۲۰۲۲). برای مثال، آپلود غیرمجاز یک فیلم در یک وب سایت خارجی، نیازمند همکاری بین المللی است که به دلیل عدم عضویت ایران در کنوانسیون هایی مانند برن، با محدودیت هایی مواجه می شود. ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، امکان حمایت از آثار خارجی در ایران را در چارچوب توافقات دوجانبه پیش بینی کرده، اما فقدان عضویت در کنوانسیون های بین المللی، این حمایت را محدود کرده است. این مسئله، ضرورت پیوستن به توافقات بین المللی، تقویت همکاری های قضایی، و توسعه ابزارهای دیجیتالی برای رصد نقض ها را نشان می دهد (ساگ، ۲۰۲۲).

در نهایت، تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از نقض مالکیت معنوی در حقوق ایران، نیازمند بازنگری جامع در قوانین موجود و تقویت سازوکارهای حمایتی است. رویه قضایی کنونی، اگرچه چارچوبی برای جبران خسارات مادی و معنوی فراهم کرده، اما پراکندگی آراء، فقدان معیارهای شفاف برای تعیین خسارات، طولانی بودن فرآیندهای قضایی، و چالش های اجرایی در فضای دیجیتال، کارایی این نظام را محدود کرده است. پیشنهاد می شود که قانونگذار با تدوین قوانین جامع تر، مانند تعیین معیارهای مشخص برای جبران خسارات معنوی، تمدید مهلت مرور زمان در موارد نقض دیجیتال، و پیش بینی اقدامات احتیاطی مؤثرتر (مانند انهدام کالاهای نقض کننده)، حمایت از پدیدآورندگان و مالکین را تقویت کند. علاوه بر این، آموزش تخصصی قضات، افزایش تعداد کارشناسان رسمی در حوزه مالکیت فکری، و توسعه همکاری های بین المللی، می تواند

¹ Gervais² Sag

به بهبود نظام جبران خسارت و ارتقای جایگاه ایران در نظام جهانی مالکیت فکری کمک کند. این اقدامات، نه تنها اقتصاد فرهنگ و هنر را تقویت می‌کند، بلکه انگیزه خلاقیت و نوآوری را در جامعه افزایش می‌دهد. برآیند تحلیل حاضر نشان می‌دهد که کارآمدسازی نظام جبران خسارت ناشی از نقض مالکیت معنوی در ایران، مستلزم تحولی همه‌جانبه و هماهنگ در سه عرصه‌ی تقنین، قضاوت و اجرا است. یافته‌ها نشان می‌دهند که رویه قضایی ایران در زمینه جبران خسارت ناشی از نقض مالکیت معنوی، هم‌زمان دو چهره‌ی متناقض دارد:

- از یک سو، اصل مسئولیت مدنی و امکان مطالبه‌ی هر دو نوع خسارت (مادی و معنوی) به رسمیت شناخته شده و اقدامات غیرمالی همچون توقف فعالیت ناقض یا جمع‌آوری نسخه‌های غیرمجاز به‌طور گسترده اعمال می‌شود (الستی، ۱۳۸۶: ۳۵).
- از سوی دیگر، به دلیل پراکندگی آراء، فقدان معیار شفاف برای خسارت معنوی، دشواری اثبات در فضای دیجیتال و ضعف در اجرای احکام، این جبران خسارت در عمل ناکافی و غیرکارآمد تلقی می‌شود (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۱۶).

بنابراین، به‌منظور ارتقای کارآمدی نظام قضایی در این حوزه، ضرورت دارد:

۱. رویه‌ی واحد و تخصصی در دادگاه‌ها ایجاد شود.
۲. معیارهای روشن برای محاسبه‌ی خسارت معنوی و مادی تدوین گردد.
۳. زیرساخت‌های فنی و کارشناسی تقویت شود تا دعاوی مالکیت معنوی، به‌ویژه در فضای دیجیتال، با سرعت و دقت بیشتری رسیدگی شوند (انصاری، بی‌تا: ۸).

به‌عنوان پیشنهاد کلان و راهبردی، ضروری است قانونگذار با انجام اصلاحات ساختاری در قوانین پراکنده و بعضاً قدیمی، چارچوبی شفاف، جامع و هم‌سو با استانداردهای بین‌المللی ایجاد کند. این چارچوب باید به‌گونه‌ای طراحی شود که قضاوت را در تفسیر و صدور آراء عادلانه و یکدست یاری رساند و هم‌زمان، با تجهیز نهادهای اجرایی به فناوری‌های روز و سازوکارهای نظارتی مؤثر، امکان پیگیری سریع و کارآمد نقض‌ها، به‌ویژه در فضای پیچیده‌ی دیجیتال، فراهم آید. تحقق این چشم‌انداز، علاوه بر تضمین حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان، سنگ بنای محکمی برای رشد اقتصاد دانش‌بنیان و تقویت جایگاه ایران در عرصه‌ی جهانی مالکیت فکری خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش مطابق با اصول اخلاق حرفه‌ای در تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی و مبتنی بر منشور اخلاق پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است و اطلاعات بدست آمده صرفاً در جهت پژوهش بکار گرفته شده است.

حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه حمایت مالی از سازمان‌ها یا نهادهای تأمین مالی دریافت نکرده است و تمامی هزینه‌های مربوط به انجام مطالعه توسط پژوهشگر تأمین گردیده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است. نویسنده اظهار می‌دارد که در ارتباط با انجام این پژوهش و نگارش مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تقدیر و تشکر:

بدین‌وسیله از جناب دکتر محمد رحیم بهبهانی که در این پژوهش راهنما و مشاور من بودند صمیمانه تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع فارسی

- آشوری، م. (۱۳۷۸). آیین دادرسی کیفری. (ج ۱، چ ۱۳). تهران: سمت.
- آیتی، ج. (۱۳۷۵). حقوق آفرینش‌های فکری. (ج ۱، چ ۹). تهران: حقوقدان.
- ابراهیم نیا، س. (۱۳۹۱). حمایت از طرح‌های صنعتی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- ابهری علی آبادی، ج. (۱۳۸۷). مفهوم و قلمرو غصب در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران. فصلنامه علوم انسانی، مقالات و بررسی‌ها. شماره ۸۹، صص ۱۱-۲۸.
- احمد پناهی، ج. (۱۳۸۲). جبران ضرر و زیان در الزامات خارج از قرارداد در حقوق ایران و تطبیقی.

- پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. دانشگاه شهید بهشتی.
- اسماعیل، م. (۱۳۷۷). بررسی لزوم جبران خسارت های معنوی و مسئولیت های ناشی از تضییع منابع و فرصت ها از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی. (ج ۱، چ ۹). تهران: امیر کبیر.
- اصغری، ش. (۱۳۸۵). تأثیر میزان تقصیر در مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران. پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی. سال ۱. شماره ۳، صص ۱۴-۳۶.
- السان، م. (۱۳۸۴). حقوق اسرار تجاری در عصر فناوری اطلاعات. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۵۱ و ۵۰، صص ۲۷۲-۳۱۲.
- الستی، س. (۱۳۸۶). حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری. (ج ۲، چ ۱). تهران: میزان.
- امامی، ج. (۱۳۸۶). حقوق مالکیت معنوی. (ج ۱، چ ۹). تهران: میزان.
- انصاری، م. (بی تا). المکاسب. (ج ۳). تبریز: مرتضی.
- بادینی، ج. (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. (ج ۱). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بادینی، ج. (۱۳۸۹). نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی. فصلنامه حقوق دانشگاه تهران. دوره ۴۰، شماره ۱، صص ۷۳-۹۳.
- باریکلو، ع.ر. (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی. (ج ۱). تهران: میزان.
- برمنش، ج. (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری. پایان نامه کارشناسی ارشد مالکیت فکری. دانشگاه تهران.
- بهرامی، م.ک. (۱۳۸۱). قاعده تسبیب. مجله دادرسی. شماره ۳۵، صص ۳۰-۳۵.
- بهرامی احمدی، ج. (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی. (ج ۱). تهران: میزان.
- حلی، ج. (۱۴۰۹ ق). شرایع الاسلام. (ج ۲). تهران: استقلال.
- حلی، ج. (۱۴۱۰ ق). المختصر النافع فی فقه الامامیه. (ج ۲۵). تهران: بعثت.

شمس، ع. (۱۳۸۵). آیین دادرسی مدنی. (ج ۱). تهران: دراک.

شمس، ع. (۱۳۸۶). آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته). (ج ۲). تهران: دراک.

شهید ثانی، ز. (۱۴۲۳ ق). مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الاسلام. (ج ۱۲). قم: موسسه المعارف الاسلاميه.

منابع انگلیسی

- Bently, L., Sherman, B., Gangjee, D., & Johnson, P. (2022). *Intellectual Property Law (6th ed.)*. Oxford University Press.
- Burk, D. L. (2020). Thirty-six views of copyright authorship, by Jackson Pollock. *Hous. L. Rev.*, 58, 263.
- Dinwoodie, G. B., & Dreyfuss, R. C. (2012). *A Neofederalist vision of TRIPS: the resilience of the international intellectual property regime*. Oxford University Press.
- Gervais, D. J. (2022). *The TRIPS Agreement: Drafting History and Analysis (5th ed.)*. Sweet & Maxwell.
- Lemley, M. A. (2021). Faith-based intellectual property. *UCLA Law Review*, 68(2), 292–325.
- Sag, M. (2022). Copyright and generative AI: The new frontier. *Berkeley Technology Law Journal*, 37(1), 1–48.

Civil Liability Arising from Infringement of Intellectual Property Rights in Iranian Law

Aram Didar,^۱ Mohammad Rahim Behbahani^{۲*}

Abstract

Introduction and Objective: The analysis of civil liability arising from the infringement of intellectual property rights in Iranian law is a multifaceted and dynamic subject, gaining increasing importance due to technological developments and the expansion of the digital environment. Therefore, the main objective was to examine civil liability arising from the infringement of intellectual property rights in Iranian law.

Research Methodology: This research was conducted with a descriptive-analytical approach using the study of documents and Iranian laws.

Findings: Iran's legal framework for intellectual property (IP) infringement combines specific copyright laws, general civil codes, and newer digital regulations. While courts recognize both material and moral damages, judges typically prioritize non-financial remedies—like stopping publication—over substantial monetary fines. Key challenges include inconsistent court rulings, vague criteria for moral damages, difficulties in proving digital losses, and slow legal processes. Compared to international standards like the TRIPS Agreement, Iran's system falls short in providing "adequate compensation" and lacks a strong deterrent effect. The conclusion is that while the theoretical protection of authors' rights exists, the judicial system requires major practical improvements, including establishing uniform procedures, clearer damage criteria, and stronger IP-specialized infrastructure.

Conclusion: While Iranian law provides a theoretical foundation for claiming damages from intellectual property infringement, its practical application is hindered by inconsistent court rulings, unclear standards for moral damages, and challenges in proving digital infringement. Compared to international norms, the system lacks deterrence. To be effective, establishing consistent procedures and clear criteria is essential.

Keywords: Intellectual Property Rights, Civil Liability, Infringement of Rights, Material and Moral Damages.

¹ M.A student, Department of Law, Kazerun Branch, Islamic Azad University, kazerun, Iran. Aram.didar@iau.ac.ir

^{2*} Department of Law, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran.. (Corresponding author). Email: Mohammad.r.behbahani@iau.ac.ir